

نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان راهنمایی

اسما آزادی^۱، حمیدرضا عباسی^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی تاریخ و مطالعات مهارت آموز دانشگاه فرهنگیان

^۲ دکترای روان شناسی تربیتی، هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

نام نویسنده مسئول:

اسما آزادی

چکیده

این تحقیق حاضر به بررسی نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان راهنمایی پرداخته است. معمولاً در اغلب روش های تدریس از خلاقیت و نوآوری استفاده نمی شود. در حالیکه که در دنیای امروزی بایستی به یادگیری خلاقیت توجه خاص و ویژه ای بشود. بنابراین در مدارس جایگاه ویژه ای برای این امر در نظر گرفته شده است تا بدینوسیله تفکر هوشمندانه و خلاق پرورش یابد. در این بین معلم نقش حیاتی و مهمی ایفا می کند که با تکنیک های خاصی به تقویت قوه خلاقیت می پردازد. و معلمان با قاطعیت ویژه ای که دارند می دانند که دانش آموزان در دوره راهنمایی به یادگیری چه مطالبی نیاز دارند تا آنها را به روش های فعال و نوجوان محور آموزش دهند.

ابتدا در مقدمه این پژوهش به نظریه های دو محقق به نام های تورنس و ملل که تحول برنامه های سنتی و هدایت آموزش به سمت برنامه های خلاق را بررسی می کنیم، و در مرحله دوم اهمیت و ضرورت پژوهش که چه سازمانی نقش اصلی و زیربنایی را برای ایجاد خلاقیت را دارد مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم در مرحله سوم برای ظهور خلاقیت باید چه گام هایی برداریم مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه پژوهش به ادبیات و چارچوب نظری (آموزش و نظام آموزشی برای خلاقیت در دنیای امروزی) پرداخته شد و در ادامه کار به رابطه آموزش و یادگیری از نظریه پردازان برنر و کدیور و... مورد بررسی قرار گرفته شد و بعد موضوع خلاقیت که خود خلاقیت چیست و تعریف آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شد. و در مراحل دیگر در این پژوهش به دیدگاه نظریه پردازان درباره خلاقیت، پرورش خلاقیت در دانش آموزان راهنمایی، آماده سازی شرایط گام اول پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی، نقش معلم در پرورش خلاقیت، راه های ایجاد و پرورش خلاقیت، اصولی «تورنس» برای توسعه تفکر خلاق از طریق مدرسه، و در آخر نتایج نظرسنجی از تعدادی معلمان در زمینه خلاقیت مورد بررسی قرار گرفته شد.

واژگان کلیدی: پرورش خلاقیت، نقش معلم، چارچوب نظری.

مقدمه

تورنس^۱ (۱۹۹۴) و مللو^۲ (۱۹۹۶) ضمن انتقاد از آموزش و پرورش سنتی بر اهمیت تغییر و تحول برنامه های سنتی و هدایت آموزش به سمت برنامه های خلاق تأکید می ورزد. این محققان معتقدند که برای تحقق بخشیدن به این موضوع باید به غنی سازی محیط آموزشی و ارائه برنامه های خلاق پرداخت، معلمان به عنوان یکی از مهمترین عوامل رشد یا تخریب خلاقیت دانش آموزان از جایگاهی ویژه در نظام آموزشی برخوردارند. به همین جهت، نقش معلم مورد توجه محققان قرار گرفته است. اغلب این تحقیقات در محورهای شناخت معلمان از خلاقیت و تأثیر ویژگی های شخصیتی معلم در خلاقیت دانش آموزان بوده است. نتایج به دست آمده از اغلب این پژوهش ها نشان داده است که معلمان خلاقیت را نمی شناسند لذا تربیت معلمان خلاق، به منظور تربیت دانش آموزانی خلاق اهمیت زیادی دارد. تورنس نتیجه گرفت که معلم در کلاس درس عامل تعیین کننده ای در افزایش خلاقیت دانش آموزان است، تحقیقات حسینی (۱۳۸۱) (در فاز اول این تحقیق) نشان داده اند که اگر به معلمان ساختار آموزشی مناسبی ارائه شود دانش آنها افزایش می یابد و نگرش آنها تغییر می کند و می تواند از مهارت های نوین تدریس و آموزش مبتنی بر رشد خلاقیت دانش-آموزان بهره بگیرند.

زندگی پیچیده امروزی، هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال؛ انسان برای خلق نشاط و پویایی در زندگی نیازمند نوآوری و ابتکار است تا انگیزه تنوع طلبی خود را ارضاء کند. جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد و امروز شعار «نابودی در انتظار شماست مگر اینکه خلاق و نوآور باشید» در پیش روی مدیران همه سازمانها قرار دارد اما مسئولیت سازمانهای آموزشی به خصوص آموزش و پرورش که وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان و آینده سازان جامعه را برعهده دارد، صبغ های دیگر به خود می گیرد. از اینرو سازمان های آموزشی از یک سو وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش خلاقیت و نوآوری و استفاده صحیح و جهت دار از استعدادها و توانایی های افراد را برعهده دارند که این خود زمینه ساز توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه است و از سوی دیگر برای پویایی خود نیازمند پرورش و بهره مندی از خلاقیت و نوآوری در سطوح سازمانی می باشند.

همه کودکانی که به دنیا می آیند دارای توانایی های بالقوه خدادادی اند. این توانایی ها به علل مختلف وراثتی و محیطی در برخی بیشترند و در برخی از آنها کمترند. یکی از این توانایی ها روحیهی خودنمایی است که از سال دوم کودکی آغاز میشود و در پرتو همین روحیه، اختراعات، ابتکارات و پیشرفتهای علمی و فنی به وجود می آید. اگر این توانایی نبود هیچگاه تمدن صنعتی بشر تا این حد اوج نمیگرفت. معلمان و مربیان باید در امر تعلیم و تربیت از وجود این توانایی بالقوه حداکثر استفاده را بکنند زیرا نیروهای دانشآموزان همانند چشمه جوشانی است که ابتکار و خلاقیت از آن فوران میکند. منتها ابتکار در این است که به آنان فرصت ابراز کردن داده شود. کودکان خلاق از دیرباز مورد توجه بوده اند. شناخت دانشآموزان خلاق میتواند راهگشای کار معلمان مدارس باشد تا بدین وسیله بتوانند استعدادهای چنین دانش آموزانی را شکوفا سازند و آنها را به سوی رشد و تعالی سوق دهند. شناخت و پرورش استعدادهای برجسته و خلاق از وظایف و مسئولیت های خطیر مربیان است پس تعلیم و تربیت دانش آموزان خلاق باید همراه با شناخت، احساس مسئولیت خطیر الهی و پذیرش رسالتهای اجتماعی باشد(آمالی؛ ماتز، ترجمه: مهدی قراچه راغی، ۱۳۷۴).

در آموزش و پرورش کنونی تدریس و کتاب بر معلم تکیه دارد و اغلب روشهای تدریس، سخنرانی می باشد و هیچگونه تناسبی با تفاوت های فردی و استعدادهای متنوع دانش آموزان ندارد و در واقع معلمان از ارزشها و الگوهای نوین تدریس در یاددهی-یادگیری و ارزشیابی کیفی استفاده نمیکنند. ارزشیابی برنامه ها علیرغم تغییر کتاب های درسی برای چندین سال ثابتاند و تغییری در آنها حاصل نمیشود(زارعی، ۱۳۸۵). آموخته های دانش آموزان به عنوان شرط لازم عبور از یک پایه به پایه بالاتر و است به جای پرداختن به فرآیند فعالیت های دانش آموزان به نتایج ارزشیابی پایانی بسنده می شود. امروزه در آموزش و پرورش ما یک نظام کارآمد نیازسنجی برای مشخص کردن نیازهای واقعی دانش آموزان و معلمان و والدین وجود ندارد. از یک طرف حجم زیاد کتاب های درسی و از طرف دیگر پایین بودن کیفیت محتوایی آنها و سایر منابع یادگیری خود منابع یادگیری خود مانع بزرگی جهت بروز خلاقیت ها میباشند(سیف، ۱۳۹۰). از اینرو با توجه به اهمیت مسئله خلاقیت در دانش آموزان، این تحقیق به دنبال نقش معلم در پرورش خلاقیت در دانش آموزان راهنمایی است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در شرایط کنونی وزارت آموزش و پرورش با توجه به گستردگی و نقش زیربنایی آن مسئولیت اصلی روال بخشیدن به خلاقیت نوآوری در جامعه را برعهده دارد. البته انجام این مهم در گروی اعمال تغییر و تحول اساسی در رسالت و ساختار سازمان آموزش و پرورش است. ابتدا باید بستر مناسب برای تبلور خلاقیت و نوآوری در سازمان مدیریت آموزش و پرورش ایجاد کرد تا بتوان خلاقیت و نوآوری را در جامعه شکوفا و هدایت کرد برای نیل به این منظور ایجاد فضای مناسب در محیط های آموزشی الزامی است.

¹ tornes(1994)² mello(1996)

نخستین گام جهت ایجاد فضای مناسب برای ظهور خلاقیت و نوآوری تغییر در محیط های سازمانی است. از آنجا که تغییر، اصلاح بهبود مبنای بروز خلاقیت و نوآوری است لذا میل به عدم تمرکز در فعالیتهای سازمان نیروی انسانی و استفاده از انواع روشهای اصلاحی و بهبود ضروری است. در حال حاضر رویکرد جنسیتی و عدم توجه به تفاوت های فردی پاسخگو نیست. مدرسه باید نمونه کوچکی از جامعه ای باشد که در آن دانش آموزان با مسائل مختلف زندگی آشنا می شوند و از طریق راهنمایی و اندیشیدن می آموزند که مشکلات فردی خود را حل کنند. دیگر نمیتوان مدرسه، معلم، دانش آموزان، کلاس و ارزشیابی و غیره را با مفهوم و ادبیات گذشته رهبری کرد بلکه باید به شکل دیگری نگاه کرد. انتظار می رود مدیران فرآیندمدار که بیشتر در فرآیند سیستم مدرسه تمرکز دارند با توسعه دانش، نگرش و مهارتهای خود به این تغییرات احاطه پیدا کنند.

آموزش و پرورش سنتی آنطور که آن را تدوین کرده اند روی تعلیم مستقیم و بنابراین تقلید و انتقال، متمرکز است. معلم دانش را منتقل می کند و دانش آموز با حفظ کردن آن مبحث مورد ارزشیابی قرار میگیرد. شخصیت هم میتواند خلاقیت را آسان سازد هم مانع آن شود ویژگی هایی از قبیل آمادگی برای خطر کردن، کنجکاوی و جستجوگری، استقلال، اندیشه، پشتکار و پایداری شهامت، استقلال رای، خود آگاهی، ابتکار پرسشگری درباره ی موقعیت های معما گونه و درگیر شدن با امور دشوار از جمله ویژگیهای آسان ساز شمرده شده اند. ویژگی های دانش آموزان خلاق: عبارت است از قدرت استدلال، درک سریع مفاهیم و حافظه ی قوی. شاگردان خلاق لزوماً در آزمون های هوشی نمره ی چندان فوقالعاده ای کسب نمی کنند. اما در آزمون های مربوط به سنجش مهارت های تفکر واگرا نمره بالایی به دست می آورند. بنابراین اشخاص تیزهوش نیستند که می توانند خلاق باشند بلکه باهوش متوسط هم میتوانند خلاق باشد و کمبود خلاقیت را فقط به افرادی که عقب ماندگی ذهنی دارند می توان نسبت داد(سیف، ۱۳۹۰).

دانش آموزان خلاق راه های خلاقانه ای برای حل مسایل ارائه می دهند. در بازخوردها و نگرش های خود مستقل و بیعصب ترجیح می دهند در شرایط باز و نامحدود از نظر یادگیری فعالیت کنند. به فعالیت های فرهنگی بیش از ورزش و فعالیت های اجتماعی علاقه دارند. احساس بی شباهت بودن به دیگران دارند. در فعالیت های گروهی نقش رهبر را به عهده می گیرند و برای مشورت بیشتر به دوستان مراجعه می کنند. دارای تخیلی قوی هستند و حتی در کودکی دوست خیالی داشته اند. دارای رویاهای با شکوه و وحشت انگیزی هستند سوالات آنها عجیب و غریب است. خلاقیت ودیع های الهی است و در همه افراد بشر با شدت و ضعف وجود دارد. مدیران باید شرایطی فراهم آورند که کارکنان قدرت خلاقیت خود را به کار گیرند و به کارهای ابتکاری روی آورند البته نوع خلاقیت هر کس با توجه به شرایط موقعیتی که دارد با دیگری متفاوت است (اسپورن، الکی، اس، ۲۰۰۲).

ادبیات و چارچوب نظری

آموزش را میتوان یک فرایند تدریس «هدفدار» دانست که کم و بیش «از پیش برنامه ریزی شده» است(رمی زفسکی^۱، ترجمه فردانش، ۱۳۸۸).

لازمه ماندگاری و دوام و بقاء انسان ها در عرصه تحولات پرشتاب امروز همانا توجه بیشتر به کیفیت نظام آموزشی است. تحولات پرشتاب امروز همانا توجه بیشتر به کیفیت نظام آموزشی است. تحولات پرشتاب در مراکز آموزشی بیشتر از سازمانها بوده، بدین ترتیب مدارس باید عاداتها و رویدادها را محک بزنند و با دیده نقادی به راهیابی بهتر در همه زمینه ها بپردازند. در شرایطی که در جهان مدیریت بدون مرز مطرح است و در صحنه های جهانی به آن پدیده جهانی شدن می گویند. سازمانها بویژه سازمان های آموزشی لازم است در ارتباط با حوزه استحفاظی خود بیندیشند. هر چه تأثیر عوامل محیطی بر سازمانها بیشتر شود، تصمیمهای آموزشی بار استراتژیکی بیشتر پیدا میکنند. ماندگاری سازمانها به ویژه سازمانهای آموزشی تابعی از تغییرپذیری آنهاست. هرچه جلوتر می رویم تصمیم ها پرشتابتر میشوند. افزایش روزافزون دانش آموزان، دگرگونی و تحول در یافته های علمی، انفجار دانش، تغییر ارزشها، نابرابری در خصوص دسترسی به آموزش، تنگناهای مالی، عدم آموزش پذیری، عدم مسئولیت پذیری و همه عوامل تأثیرگذار دیگر در مراکز آموزشی، توجه به اهمیت کیفیت در نظام آموزشی را روزافزون میکند(خورشیدی، ۱۳۸۱).

رابطه آموزش و یادگیری

یادگیری تغییراتی است که در اثر تعامل دانش آموز با محیط حاصل میشود، اما تدریس تعامل بین معلم و شاگرد است. در فرایند تدریس لازم است معلم با برنامه ریزی مناسب و تأمین شرایط مطلوب، شرایط لازم را برای ایجاد تغییرات مطلوب فراهم آورد. به این ترتیب تدریس و یادگیری در حالی که به هم وابسته اند، دو فرایند مجزا از هم نیز محسوب میشوند(خورشیدی، ۱۳۸۱). در عین حال با عمل

¹ Romizofski, A.J

تدریس کیفیت و کمیت و سرعت یادگیری را میتوان افزایش داد و یا شرایط را برای یادگیری آموزشی که در شرایط معمولی امکان پذیر نیست فراهم نمود (شعبانی، ۱۳۹۲).

به عبارتی دیگر تدریس یکی از ابزارهای مهم یادگیری است. نظریه های یادگیری، صرفاً به پدیده های یادگیری توجه دارند و همواره به شاگرد توجه میکنند. این نظریه ها در صدد تبیین و توصیف چگونگی و شرایطی هستند که یادگیری در آن صورت میگردد. اما نظریه های تدریس، بیانگر روشها و فنونی هستند که در آن معلم، دانش آموزان را تحت تأثیر قرار میدهد و سبب یادگیری میشود. برونر^۲ (به نقل از خورشیدی، ۱۳۸۱). نظریه های تدریس را جزء نظریه های تشریحی و تجویزی میدانند که مانند قوانین اجتماعی اعتباری اند و توسط نظریه پردازان تعلیم و تربیت وضع میشوند. اما نظریه های یادگیری را جزء نظریه های تکوینی (توصیفی) میدانند، که بیانگر روابط بین متغیرها هستند و بر اثر پژوهش کشف میشوند از اینرو شناخت نظریه های یادگیری در فرایند فعالیت های آموزشی برای معلمان لازم، ولی کافی نیست. لذا معلمان در کنار نظریه های یادگیری نیاز مبرمی به نظریه های تدریس نیز دارند (خورشیدی، ۱۳۸۱). اگر چه انسان آموختن را از هنگام تولد شروع و در طول زندگی ادامه میدهد، بخشی از آن آموختن ها به صورت غیرعمدی یا تصادفی در خانواده و یا جامعه صورت میگیرد و بخش عمدهای از آن به نهاد رسمی مدرسه سپرده میشود. در این میان مدرسه بیشترین سهم را برعهده دارد و سرانجام این رسالت خطیر بر عهده معلم هاست. آنها هستند که باید بتوانند دانش آموزان را به درستی تربیت و برای کار و مشارکت در اجتماع آماده سازند. به این ترتیب معلمها باید از هر نظر برای دانش-آموزان الگو باشند. معلم باید توجه داشته باشد که او هرگز یاد نمی دهد، بلکه وی شرایط یادگیری را تسهیل میکند. از اینرو لازمه یادگیری همانا ایجاد شرایط و موقعیت مطلوب است. باید دائماً به دانش آموزان کمک کنیم تا آنچه را که میآموزند به فهم جامع تری ربط دهند. به اصول اساسی دست یابند، از یادگیری لذت ببرند و نگرش مثبتی به یادگیری و مدرسه یابند. برای تحقق این اهداف، دانش آموزان باید فرصت فکر کردن، بیان افکار، نظریه پردازی، همکاری گروهی و داوری باورهای خود و دیگران را پیدا کند. همچنین خود را افرادی «متفکر»، «مستقل» و «کامل» بدانند. دانشآموزان قرن ۲۱ نمیتوانند عنصری بی اختیار باشند که حتی چگونه یادگرفتن هم از اختیار او خارج و هیچ گونه دخل و تصرفی در آنچه می آموزند نداشته باشند (کدیور، ۱۳۸۷).

خلاقیت

خلاقیت یا آفرینندگی فرآیند ذهنی کشف ایده ها و مفاهیم، یا آمیزش ایدهها و مفاهیمی موجود است که توسط فرآیند بینش خودآگاه یا ناخودآگاه تحریک میشود. در واقع خلاقیت یعنی بکارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یا تبلور یک فکر یا مفهوم جدید که برخی نیز آن را به ترکیب ایده ها یا ایجاد پیوستگی بین ایده ها تعبیر نموده اند در تعریفی دیگر خلاقیت بازی با تخیل و امکانات است که در حین تعامل با عقاید، افراد و محیط، منجر به ارتباطات و نتایج جدید و معنادار میشود. خلاقیت مفهومی است که تعریف های آن در طول زمان تغییراتی کرده است. تورنس (۱۹۶۲)، خلاقیت را به عنوان نوعی مسأله گشایی مدنظر قرار داده است. به نظر و تفکری خلاق مختصراً عبارتست از فرآیند حس کردن مسائل یا کاستی های موجود در اطلاعات، فرضیه سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه ها، بازنگری و بازآزمایی آنها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران.

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرآیندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان می باشد. از نقطه نظر یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده میشود. همانند دیگر پدیده ها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و به طور متنوع به موارد زیر منسوب شده است: فرآیند شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نبوغ، بیماری های روانی و شوخطبعی پیوند داده شده است.

تعریف مناسب دیگر فرآیند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید می شود که شخص پیشفرض ها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته اند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگی ها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمتمتعرف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیخته به وجود می آید. برای آن مراحل توسط هلم هولتز و والاس^۱ پیشنهاد شده است: آمادگی، دوره نهفتگی، الهام، تحقق

دیدگاه نظریه پردازان درباره خلاقیت

امروزه یک گرایش بین المللی برای یکپارچه سازی خلاقیت در چارچوب برنامههای درسی به وجود آمده است. اخیراً دولتهای هنگکنگ، چین، تایوان، سنگاپور، کره جنوبی، اسرائیل و دیگر کشورهای آسیایی اصطلاحاتی را در برنامه درسیشان اعمال داشتهاند که بر رشد خلاقیت

² Bromet

¹ helmholtez and valas

در مدارس راهنمایی و دبیرستان ها تأکید کرده است. یک خصیصه عمومی در این کشورها این است که همه آنها به اهمیت خلاقیت در همه برنامه های درسیشان از قبیل علوم، زبان، هنرها و دیگر موارد پی برده اند (چنگ، 2011). در کشورهای شرقی از جمله هنگ کنگ قوانین کلی برای توسعه خلاقیت دانش آموزان وضع گردیده است، تا آنجا که به خلاقیت به یکی از سه مهارت عمومی که بیشترین اهمیت را بر رشد آنها در بین همه برنامه های درسیشان می دهند تبدیل شده است. در این راستا معلمان بایستی از دانش آموزان بخواهند که به دنبال اطلاعات بروند، به آنها فرصت فکر کردن بدهند، و توانایی های خلاق آنها را قویتر کنند، به تلاشهای خلاق آنها پاداش دهند. و برای آنان ارزش قائل شوند، از تکنیک های تفکر خلاق در تدریس استفاده کنند، و مدل های حل مسئله خلاق را آموزش دهند و در کل یک جو آموزش که منجر به خلاقیت میشود را به وجود آورند (چنگ، 2010).

پرورش خلاقیت در دانش آموزان راهنمایی

خلاقیت مفهومی پیچیده و در برگیرنده ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، سازمانی و فردی است. اگر بخواهند در جامعه ای این مفهوم توسعه یابد و به شکلی پایدار تحقق یابد باید در درجه اول شرایط علمی، فرهنگی، سازمانی و فردی آن را به وجود آورند. زیرا اگر شرایط لازم و مناسب علمی فراهم نیاید هر نوع کوشش از نظر کیفیت و محتوا بی نتیجه خواهد ماند. همچنین اگر نتوانیم شرایط فرهنگی و سازمانی تحقق و توسعه خلاقیت را ایجاد کنیم هر چه بکوشیم و توان علمی خود را افزایش دهیم باز هم نمی توانیم به توسعه ای پایدار دست پیدا کنیم.

آماده سازی شرایط گام اول پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی:

اکثر صاحب نظران بر این باورند که اولین گام در پرورش خلاقیت کودکان به وجود آوردن شرایط مناسب در محیط خانوادگی، آموزشی است. کارل راجرز میگوید: واضح است که خلاقیت را نمیتوان با فشار به وجود آورد بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند. در مورد خلاقیت هم همین وضع صادق است. چگونه میتوانیم شرایط خارجی را مساعد بسازیم تا شرایط داخلی تسریع شود و خلاقیت پرورش یابد؟ تجربیات من در روانشناسی مرا به این مطلب معتقد کرد که می توانیم با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت سازنده را افزایش دهیم. آموزش و پرورش برای رشد و خلاقیت و نوآوری در معلم و دانش آموز به ویژه در دوره آموزش ابتدایی به منزله زیربنای تعلیم و تربیت باید درک روشن و صریحی از شرایط موجود به دست بیاورد، در گام بعدی باید بکوشد بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت و اهداف اصولی و معیارهای علمی و معتبر تصویر روشنی از شرایط مطلوب پرورش خلاقیت رسم کند. با ارایه این تصویر می توان به خوبی دریافت که شرایط پرورش خلاقیت در کلاس درس، مدرسه، سازمان آموزش، خانواده یا هر محل آموزشی و پرورشی دیگر، باید به چه صورتی باشد. در نتیجه می توان با کمترین صرف وقت، انرژی، انگیزه و سرمایه در مسیر پرورش و شکوفایی خلاقیت و نواندیشی قرار گرفت. اما اگر شرایط مناسب علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فردی پرورش خلاقیت را فراهم نیاوریم هر عامل مثبتی در مسیر خلاقیت نه تنها موثر نخواهد بود بلکه به صورت یک مانع عمل خواهد کرد. (پال تورنس، ترجمه: حسن قاسم زاده، 1375).

نقش معلم در پرورش خلاقیت

پال تورنس¹ (1985) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که خصوصیات مربی و شیوه های آموزش وی میتواند به افزایش تفکر خلاق بیانجامد. مربیانی که از شیوه کودک - محور در آموزش خود استفاده میکنند، کودکان را نسبت به محرکات محیطی پیرامون حساس مینمایند. از تأکید بر الگوهای قالبی اجتناب میورزند و کلاس را چنان سازماندهی مینمایند که محیطی متنوع و خلاق ایجاد شود. در نتیجه این روش موجب افزایش و رشد خلاقیت در کودکان میشود. بررسی انجام شده نشان میدهد معلمانی که خود خواهان تغییر در روشهای تدریس روزانهشان هستند، توان یادگیری آفرینندگی را دارند. راهکارهای آموزشی خلاقیت، محیطی انباشته از کنجکاوی و تنوع می آفریند. «وایتهد» معتقد است که شغل معلمی باید از یک «قاطعیت ویژه» برخوردار باشد و معلمان موفق باید بدقت بدانند که شاگردانشان به یادگیری چه مطالبی نیاز دارند (مایرز، چت، 1374، ص 66).

و این موضوع باید مبتنی بر استانداردها و اصول منطقه ای و مدرسه ای باشد و همچنین باید آگاهی کامل از سطح نسبی و میزان استعدادها و خلاقیت دانشآموزان داشته باشند.

بررسی نحوه ارتباط آموزشی معلمان خلاق نشان داده که آنها معمولاً از روش های زیر استفاده میکنند.

¹ pall tornes

- ۱- استفاده از حواس مختلف، توجه به حواس مختلف و استفاده صحیح و بجا از آنها در فرایند یادگیری. مطالعات نشان داده است که این افراد از امکانات سمعی - بصری، کامپیوتری، کانال های ارتباطی و دیگر وسایل کمک آموزشی بیشتر بهره میگیرند.
- ۲- استفاده از تجربه های مستقیم: (نقش پرورش دهندگان خلاقیت در فراهم آوردن زمینه برای دستکاری اشیاء و تجربه و آزمایش، تشویق جهت پیدا کردن راه های جدید، ترغیب فراگیران به حدس زدن جهت ابداع و نوآوری)
- ۳- استفاده از روش بحث و گفتگوی آزاد و متقابل:
- بکارگیری سخنان خود جوش و گفتگوی آزاد و متقابل و غیرقالبی، تشویق فراگیران به ارائه نظرات و انتقادات خود و فراهم آوردن شرایط مناسب برای داد و ستد اجتماعی و ذهنی، پاسخ غیرمستقیم به سؤالات کنجکاوانه آنها.
- ۴- استفاده از روش فعال در تدریس:
- تقویت قوه خلاقیت از طریق فعالیتهای خودبخودی با تکیه بر تجربیات عینی و امکانات فراگیر، رشد و توسعه آزادی عمل و استقلال فراگیر، عدم تکیه برحافظه شناختی و تأکید بر درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و حل مسئله در آموزشی (روش اکتشافی)
- ۵- استفاده از روش بارش مغزی یا کنکاش مغزی:
- استفاده از روشهای گوناگون جهت حل مسأله، دادن فرصت لازم جهت تفکر عمیق و طرح نظر خودبطور آزادانه، نقش راهنما داشتن معلم و شرکت فعالانه فراگیران در جریان یادگیری.
- ۶- استفاده تلفیقی از تفکر واگرا و همگرا:
- ایجاد موازنه منطقی بین این دو شیوه تفکر و استفاده از آنها در کنار هم. دادن فرصت به فراگیران در جهت کسب اصول و دانش و اطلاعات در رشته های گوناگون به صورت فردی یا گروهی و فراهم ساختن زمینه مساعد برای تفکر واگرا.
- ۷- توجه به تفاوت های فردی :
- دارا بودن شناخت از تفاوت های فردی فراگیران، تطبیق محتوا و روشهای آموزشی و پرورش خلاقیت را دارند. بنابراین خلاقیت توانایی ذاتی نیست، بلکه رویکردی روش شناسانه است که بیشتر افراد می توانند آن را بیاموزند.
- بطور خلاصه میتوان به اصول زیر بنایی افزایش مهارت خلاقیت به ترتیب زیر اشاره کرد:
- ۱- نگرش متفاوت معلم به موضوعات درسی.
- ۲- استفاده از روشهای مختلف تدریس و راهکارهای متفاوت.
- ۳- تغییر در ابزار ارزشیابی و سنجش.

راه های ایجاد و پرورش خلاقیت

- علمای تعلیم و تربیت، روشهای متعددی برای آموزش خلاقیت پیشنهاد میکنند که اغلب مشابه به یکدیگر است که به برخی از آنها اشاره میکنیم:
- ۱- احترام به عقاید عادی و غیر عادی کودکان.
 - ۲- طرح پرسشهای برانگیزنده و محرک.
 - ۳- تشخیص و تمیز استعداد های کودکان
 - ۴- دادن آزادی عمل به کودکان (آمابلی، ترجمه قرا چه راغی)
 - ۵- احترام به کودکان و ایمان داشتن به توانایی آنها
 - ۶- تشویق زیاد والدین در انجام کارهای خلاق.
 - ۷- حاکم بودن ارزشها نه قوانین.
 - ۸- داشتن تصاویر ذهنی مثبت از آینده کودکان خود.
 - ۹- احترام به تخیلات کودک.
 - ۱۰- مشاهده اشیاء از نزدیک و دستکاری آنها.
 - ۱۱- تکمیل کردن اشیاء و امور ناقص، جملات ناتمام، داستانهای ناقص، نقاشیها و تصاویر نیمه تمام و مبهم.
 - ۱۲- تدارک فرصتهای مناسب یادگیری.
 - ۱۳- هدایت کودک به سؤالات تازه.
 - ۱۴- واداشتن به کنجکاوی و کنکاشهای ذهنی.

«تورنس» اصولی برای توسعه تفکر خلاق از طریق مدرسه ارائه میدهد:

۱- حساس کردن دانش‌آموزان به محرکهای محیطی ۲- تشویق به دستکاری اشیاء ۳- تشویق عقاید نو ۴- ایجاد جوی خلاق در کلاس ۵- آشنا کردن کودکان با فرآیند خلاقیت ۶- ارزشیابی و تشویق یادگیری خود انگیز ۷- ایجاد فرصت برای تفکر خلاق ۸- گسترش انتقاد سازنده ۹- روحیه حادثه جو داشتن ۱۰- کسب شناخت در رشتههای گوناگون ۱۱- ارزشمند داشتن تفکر خلاق

نتایج نظرسنجی از تعدادی معلمان در زمینه خلاقیت که توسط محمد جنگی زهی^۱ انجام شده است عبارت است از:

نتایج بدست آمده از نظرات تعدادی از دبیران مجرب، در زمینه عنوان مقاله به شرح زیر میباشد:
-اکثرأ معتقدند که ارتباط مستقیمی بین متون درسی و خلاقیت وجود دارد و محتوای درسی در عین پربار بودن باید جالب و جذاب بوده و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی طراحی شود. به روز بودن مطالب درسی، نقش مهمی در ایجاد خلاقیت داشته و زمینه ساز تقویت کننده آن می باشد.
- نحوه شناسایی دانش آموزان خلاق میتواند استفاده از روش مشاهده رفتار (یا از طریق مشاهده کارهای هنری ...) باشد. که این از طریق درگیری ذهنی دانش آموز نسبت به مطالب درسی، از عملکرد دانش آموز و از طریق ایجاد انگیزه در آنان، طرح سؤالات معلم از شاگرد و پاسخ غیرمعمول شاگرد به سؤالات، انجام آزمایش و احترام به عقاید کودکان امکانپذیر می باشد.
و اما خصوصیات عمده معلمان خلاق را در: علاقه به مطالعه، پر تحرک بوده و فعالیت و پویایی، نوآوری در طرح درس، پشتکار و جدیت، استفاده از حداقل امکانات جهت آموزش، داشتن ابتکار در تدریس، دارا بودن اعتماد به نفس، انعطاف پذیری، استفاده از فعالیت های فوق برنامه (رسمی - غیر رسمی)، توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان، استفاده از وسایل کمک آموزشی، منضبط بودن و دانش کافی میدانند .

^۱دانشجو کارشناسی تربیت معلم آموزش ابتدایی سراوان

نتیجه گیری

در این تحقیق معلوم گردید که معلمان نقش و جایگاه ویژه ای در آموزش و پرورش بخصوص در امر آموزش خلاقیت در کودکان دارند . بنابراین معلمان این مرز و بوم بایستی دانش خود را در آموزش خلاقیت افزایش داده و همواره از روشهای دانش آموز محور استفاده کرده تا خود دانش آموزان بتوانند به نتیجه رسیده و به کشف بزرگ نائل شوند .

منابع و مراجع

- [۱] آمابلی ؛ ماتز (1374)، «روانشناسی خلاقیت»، ف ترجمه: مهدی قراچه راغی، تهران: انتشارات شباهنگ.
- [۲] اسپورن، الکی، اس. (1380)، «پرورش استعداد همگانی، ابداع و خلاقیت»، ترجمه دکتر حسن قاسم زاده، چاپ دوم، انتشارات نیلوفر.
- [۳] خورشیدی، عباس. (1381). «روشها و فنون تدریس»: تهران: نشر یسترون
- [۴] زفسکی، ای. جی. (1388). «طراحی نظامهای آموزشی: تصمیمگیری در برنامه‌ریزی درسی و طراحی برنامه (ترجمه هاشم فردانش). تهران: انتشارات سمت.
- [۵] سیف، علی اکبر، (1390)، «روانشناسی پرورشی»، تهران: انتشارات آگاه
- [۶] شعبانی، حسن. (1392). «مهارتهای آموزشی، روشها و فنون تدریس»، تهران: انتشارات سمت.
- [۷] کدیور، پروین. (1387). «روانشناسی تربیتی». تهران: انتشارات سمت